

## International Responsibility of Israel for Terrorizing Taysir al-Jabari and its Consequences

Mohamad Setayeshpur<sup>1</sup>, Moein Saadi<sup>2\*</sup>

1. Associate prof. International Law Department, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

2. MA. in Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

### Abstract

The attack by Israeli forces on a Palestinian residential tower in the Gaza Strip led to the martyrdom of Taysir al-Jabari, one of the senior commanders of the military wing of Saraya al-Quds, along with several of his companions. Using a descriptive-analytical method and relying on library sources, this article examines Israel's international responsibility under international legal rules arising from the breach of a primary obligation, which, under the law of international responsibility, naturally gives rise to secondary obligations. In this research, Israel's international responsibility is addressed by establishing the breach of the principle of the non-use of force. Furthermore, the violation of international humanitarian law is another ground that entails the international responsibility of Israel. Upon the breach of a primary obligation and the emergence of secondary obligations, the consequences thereof are borne by the wrongful State. Cessation, guarantees of non-repetition, and compensation for damages are among the consequences of an internationally wrongful act, which are incumbent upon Israel. In the present case, cessation and guarantees of non-repetition are established in view of Israel's illegal presence in the Gaza Strip. Guarantees of non-repetition may also be examined in light of the fear of repetition of the committed act. On the other hand, all material and moral damages caused by Israel during the assassination are compensable.

**Keywords:** Taysir al-Jabari, Israel, Gaza Strip, Breach of international Obligation, International Responsibility, Palestine



#### Article Type:

Original Research

Pages: 271-300

Received: 2024 January 15

Revised: 2024 August 23

Accepted: 2024 August 27



## مسئولیت بین‌المللی اسرائیل در ترور تیسیر الجعبری و پیامدهای آن

محمد ستایش پور<sup>۱</sup>، معین سعدی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

### چکیده

حمله نیروهای اسرائیل به برج مسکونی فلسطین در نوار غزه منجر به شهادت تیسیر الجعبری از فرماندهان ارشد شاخه نظامی سراپا القدس و چند تن از همراهان او گردید. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به مسئولیت بین‌المللی اسرائیل بر اساس مقررات حقوقی بین‌المللی ناشی از نقض تعهد اولیه که طبیعتاً بر طبق حقوق مسئولیت بین‌المللی موجب ایجاد تعهدات ثانویه می‌گردد، پرداخته شده است. در این پژوهش با اثبات نقض اصل عدم توسل به زور به مسئولیت بین‌المللی اسرائیل پرداخته شده است. مضافاً، نقض حقوق بشردوستانه از دیگر مواردی است که مسئولیت بین‌المللی اسرائیل را در پی دارد. با نقض تعهد اولیه و به وجود آمدن تعهدات ثانویه، پیامدهای آن بردولت متخلف بار می‌گردد. توقف و تضمین عدم تکرار و همچنین جبران خسارات از جمله پیامدهای عمل متخلفانه بین‌المللی می‌باشد که بر عهده اسرائیل است. توقف و تضمین عدم تکرار در قضیه فوق با توجه به حضور غیر قانونی اسرائیل در نوار غزه ثابت می‌گردد. تضمین عدم تکرار نیز با توجه به خوف تکرار عمل صورت گرفته، قابل بررسی است. از سوی دیگر تمامی خسارات‌های مادی و معنوی که از سوی اسرائیل در طی ترور صورت گرفته وارد آمده قابل جبران است.

واژگان کلیدی: تیسیر الجعبری، اسرائیل، نوار غزه، نقض تعهد بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی،

فلسطین



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳۰-۲۷۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

## درآمد

تیسیر الجعبری<sup>۱</sup> از فرماندهان ارشد یکی از شاخه‌های نظامی جنبش جهاد اسلامی ملقب به سرایا القدس ۲ بود که در ۵ اوت ۲۰۲۲ (برابر با ۱۴ مرداد ۱۴۰۱ شمسی)، طی حمله‌ای نظامی از سوی نیروی‌های اسرائیلی به برج مسکونی فلسطین در غرب نوار غزه تحت عملیات صبح صادق به شهادت رسید (مهرشاد غفاری زاده، ۱۴۰۱).

تیسیر الجعبری فارغ التحصیل رشته شریعت اسلامی از دانشگاه اسلامی غزه است. او از جمله افرادی بود که از کودکی به عضویت جنبش جهاد اسلامی درآمد و بارها توسط نیروی‌های اسرائیلی دستگیر و زندانی شد. از جمله وظایف و مسئولیت‌هایی که تیسیر الجعبری در طی سالیان فعالیت خود در جنبش جهاد اسلامی دارا بود، می‌توان به عضویت در شورای نظامی سرایا القدس، نظارت بر ساخت موشک‌های مقاومت در سال ۲۰۲۱، فرماندهی عملیات سیف القدس در منطقه شمال در شاخه نظامی سرایا القدس و غیره اشاره نمود (گروه جهان الف، ۱۴۰۱). تیسیر الجعبری پیش از این دوبار در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ مورد سوء قصد نیروی‌های اسرائیلی قرار گرفت که هر دو تلاش آن‌ها جهت ترور او به ثمر نرسید (شبکه شرق، ۱۴۰۱).

ترور تیسیر الجعبری در نوار غزه توسط اسرائیل با واکنش‌های دیپلماتیک بی‌شماری از سوی مقامات کشورهای اسلامی از جمله کشور جمهوری اسلامی ایران، قطر، عراق و دیگر کشورها روبرو شد. بررسی ظرفیت‌های ترور تیسیر الجعبری توسط اسرائیل از منظر دیپلماتیک خارج از بحث مقاله حاضر است؛ اما، به صورت کلی می‌توان به روش‌هایی همچون مذاکره، پایمردی، میانجی‌گری و سازش اشاره نمود. عملیات ترور فرمانده ارشد نظامی شاخه سرایا القدس علاوه بر اینکه دارای ابعاد سیاسی است، دارای ضمانت اجرای حقوقی در راستای نقض مقررات حقوق بین‌الملل است.

۱. تولد ۱۸ ژانویه ۱۹۷۲ منطقه شجاعیه غزه، شهادت ۵ اوت ۲۰۲۲ در غرب غزه.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اساساً از قواعد عرفی بین‌المللی نشأت گرفته شده است که طرح پیش‌نویس این قواعد بعدها تحت عنوان مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل رسید (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۲۲).

مسئولیت در جایی ظهور پیدا می‌کند که عمل متخلفانه بین‌المللی اعم از فعل یا ترک فعل صورت گرفته باشد (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۲۵). همچنین طبق ماده ۲ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل: «عمل متخلفانه بین‌المللی دولت هنگامی محقق می‌شود که رفتاری از اعم از فعل یا ترک فعل: الف) به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد؛ و ب) نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود» (Art. 2: ARSIWA, 2001). هنگامی که از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها سخن به میان می‌آید، باید دولتی وجود داشته باشد که بحث و بررسی مسئولیت آن بر اثر عمل تخلف‌آمیز آن دولت تحقق یابد. بحث در رابطه با مسئولیت بین‌المللی اسرائیل خود از دو منظر مشروعیت و عدم مشروعیت آن رژیم قابل بحث و بررسی است.

اسرائیل از سال ۱۹۴۸ که استقلال خود را اعلام نمود بارها دست به نقض قواعد حقوق بین‌الملل زده است. کشتن و هدف قرار دادن افرادی همچون رهبران و مبارزان فلسطینی از جمله اقداماتی بوده که نقض تعهد این کشور را به همراه داشته است (منفرد، طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶۱۸). حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای از قواعدی است که یا در اثر رعایت آن توسط اغلب کشورها تبدیل به عرف گردیده است و یا به صورت معاهده درآمده است که توسط مجموعه‌ای از کشورها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. فلذا، با توجه به این که رژیم صهیونیستی از جمله کشورهای عضو سازمان ملل متحد است و توسط اغلب کشورهای عضو این سازمان به رسمیت شناخته شده است، بررسی مسئولیت بین‌المللی این کشور از آن جایی که قواعد آن اغلب جنبه عرفی دارد، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر، کشور یک نهاد حقوقی و دارای اقتدار در جامعه بین‌الملل می‌باشد که دارای مشروعیت

برقراری ارتباط با دیگر اعضای جامعه بین الملل است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۸۳). کشور از اجتماع دائمی گروهی از افراد انسانی تشکیل می گردد که در سرزمین مشخصی بطور ثابت ساکن هستند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۸۳). از این روی، شناسایی کشور اسرائیل با توجه به دارا نبودن عناصر تشکیل کشور از ابتدا ورود نامشروع خود به آن منطقه تا به امروز توسط بسیاری از کشورهای اسلامی پذیرفته نشده است. کما اینکه به نظر نگارنده نیز وجود چنین دولتی به دلیل عدم وجود عناصر تشکیل یک دولت خالی از ایراد نیست. با این حال اسرائیل به واسطه حمایت غرب توانسته است به عضویت سازمان ملل متحد درآید و از حمایت بی دریغ اعضای دائمی شورای امنیت برخوردار گردد. بنابراین، بررسی مسئولیت بین المللی اسرائیل چه در فرض مشروعیت و چه عدم مشروعیت به جهت انتساب آن به اسرائیل در سرزمین های اشغالی از اهمیت زیادی برخوردار است. به هر حال نمی شود اسرائیل که سال های سال است مرتکب جنایات متعددی در مناطق اشغالی و چه بسا در منطقه خاورمیانه گشته است، بدون مسئولیت بماند. فلذا پرداختن به مسئولیت بین المللی رژیم اسرائیل که طی سال های متمادی از مزایای یک دولت بهره مند گردیده است، حائز اهمیت است. در اینجا این نکته قابل ذکر است که انتساب مسئولیت به اسرائیل به معنای شناسایی آن به عنوان کشور محسوب نمی گردد، چه اینکه، صرف شناسایی یا عدم شناسایی نیز موجب ایجاد یا زوال کشور نمی شود.

اعمال متخلفانه صورت گرفته توسط اسرائیل خود دارای آثار و پیامدهای حقوقی خاصی هستند که در فصل اول و دوم از بخش دوم مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۱ تحت عناوین توقف و عدم تکرار عمل متخلفانه بین المللی (ARSIWA)، (Art: ۲۰۰۱، ۳۰) و همچنین جبران خسارات بیان شده اند. (ARSIWA، Art: ۲۰۰۱، ۳۱).

در این جستار با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی به بررسی مسئولیت بین المللی اسرائیل که از جمله ظرفیت های حقوقی عمل متخلفانه صورت گرفته در رابطه با ترور تیسیر الجعبری می باشد، پرداخته شده است.

از سوی دیگر پیامدهای حقوقی ناشی از حمله صورت گرفته از جمله توقف و تضمین عدم تکرار و جبران خسارت با توسل به مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به عنوان یکی از اسناد مهم بین‌المللی در استناد دول به آن جهت طرح دعاوی خود در محاکم بین‌المللی، مورد بحث و واکاوی قرار گرفته است.

### ۱- تحقق مسئولیت بین‌المللی

علم حقوق مسئولیت را اصطلاحاً تکلیف قانونی شخص در عدم وارد نمودن ضرر به دیگری تعریف نموده است (Hart, ۱۹۴۸: ۱۸۷). حقوق مسئولیت بین‌المللی غالباً برگرفته از قواعد عرفی بین‌المللی است که هرچند در مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به شکل مجموعه‌ای از مواد تجلی یافته است؛ اما هنوز نتوانسته به صورت یک معاهده بین‌المللی شکل گیرد. با وجود این حقوق دانان در تلاش‌اند که به قواعد موجود در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ماهیت حقوق سخت دهند (هنجی، فرهادنیا، ۱۳۹۶: ۷۶).

حقوق مسئولیت بین‌المللی اساساً به قواعد و مقررات ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان دو عضو فعال جامعه بین‌الملل می‌پردازد. حقوق مسئولیت بین‌المللی در تلاش است که به تدوین و منسجم نمودن قواعدی بپردازد که ناشی از نقض قواعد اولیه باشد (سیفی، ۱۴۰۰: ۱۴). به بیان دیگر، قواعد مسئولیت بین‌المللی در واقع قواعد ثانویه‌ای هستند که در اثر نقض قواعد اولیه بوجود می‌آیند. قواعد اولیه را باید قواعد ماهوی دانست که نقض آن باعث ایجاد مسئولیت است و می‌توان آن را نتیجه نقض تعهد اولیه دانست (سیفی، ۱۴۰۰: ۲۷).

ماده ۱ از مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌پردازد که بر طبق آن هر عمل متخلفانه بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود (آذری آغاجری، ۱۳۸۸: ۱۱۶۷). این عمل متخلفانه بین‌المللی

طبق تعریف ماده ۱ از مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۱، می تواند شامل فعل یا ترک فعل یا مجموعه ای از آن ها باشد (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۲۵).

منظور از مسئولیت مطرح شده در ماده ۱ طرح پیش نویس مذکور ملزومات عینی<sup>۱</sup> عمل متخلفانه بین المللی است، هر چند به آن تصریح نشده است (کرافورد، ۱۳۹۵: ۷۸). مسئولیت عینی در واقع در جایی به منصفه ظهور می رسد که صرف عمل متخلفانه برای به وجود آمدن پیامدهای ثانویه مسئولیت بین المللی کافی باشد (کرافورد، ۱۳۹۵: ۹۴). به عبارت دیگر، می توان گفت که به محض اینکه عمل متخلفانه بین المللی رخ دهد، بی آنکه به عمدی و غیر عمدی بودن آن پردازیم، آن عمل به خودی خود موجب مسئولیت می شود. بنابراین و در یک بیان کلی می توان مسئولیت بین المللی را به عنوان یک نهاد حقوقی بین المللی دانست که الزام به جبران خسارات بر تابعان حقوق بین الملل را مد نظر دارد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۲۵). شایان ذکر است که مسئولیت بین المللی دولت ها شامل مسئولیت کیفری نیست و منظور از آن، مسئولیت به معنای حقوقی است (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۱۳).

### ۱-۱- انتساب عمل متخلفانه بین المللی

بر اساس آنچه گذشت، یکی از مولفه های مسئولیت بین المللی بر طبق ماده ۱ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۱، عمل متخلفانه بین المللی دولت ها تعریف شده است. حال احراز این عمل متخلفانه دارای شرایطی است که در ماده ۲ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین الملل به آن پرداخته شده است. طبق تعریف صورت گرفته از ماده ۲: «فعل متخلفانه بین المللی دولت هنگامی محقق می شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل: الف) به موجب حقوق بین الملل قابل انتساب به آن دولت باشد؛ و

1. Objective Correlative

ب) نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود»<sup>۱</sup>.

همانطور که در ماده ۲ پرواضح است، برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی دو عنصر انتساب و نقض تعهد مورد تأکید قرار گرفته است و این بدان معناست که باید ابتدا عمل را منتسب به دولت بدانیم و در ادامه به دنبال احراز نقض تعهد صورت گرفته که همان نقض تعهد اولیه است، باشیم. کمیسیون حقوق بین‌الملل شرایط احراز مسئولیت بین‌المللی را قابل انتساب دانستن آن اعلام کرده و اظهار نموده است که باید نقض تعهد ناشی از استاندارد حقوقی بین‌المللی قابل اعمال بر آن دولت صورت گرفته باشد (برزگر جلالی، خسروی، کوشا، ۱۴۰۰: ۱۱۰۷-۱۱۰۸).

انتساب عمل متخلفانه به دولت‌ها خود دارای شرایطی است که در فصل دوم از مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به آن پرداخته شده است. در واقع در بند ۱ و ۲ ماده ۴ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ رفتار هر ارگانی که به موجب حقوق بین‌الملل منتسب به دولت باشد اعم از اجرایی، تقنینی و قضایی را عمل آن دولت معرفی نموده است (ARSIWA, Art 4: 2001). بنابراین، طبق بند ۱ ماده ۴ رفتار صورت گرفته از سوی نظامیان اسرائیلی به دستور مقامات دولت آن‌ها بوده و مستقیماً منتسب به دولت است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه راجع به اختلاف مصونیت گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر، اظهار داشت: «بر اساس قاعده پذیرفته شده حقوق بین‌الملل، رفتار هر ارگان از دولت باید رفتار خود آن نهاد تلقی شود. این قاعده ... ماهیتی عرفی دارد» (Rep ICJ, 1999: para. 62).

فارغ از استناد به ماده ۴ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌توان به اظهارات برخی از مقامات اسرائیل در حملات اخیر خود به مواضع جنبش جهاد اسلامی اشاره نمود. روزنامه اسرائیلی آرتص به نقل از مقام ارشد نظامی صهیونیستی اعلام نمود که حملات رژیم صهیونیستی فقط بر علیه جهاد اسلامی صورت خواهد گرفت (گزارش

1. Draft Articles on International Responsibility of State) ARSIWA.(

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱: ۶). در واقع مقامات اسرائیل تلویحا جنبش جهاد اسلامی که سابقه ای طولانی در مبارزه با اسرائیل دارد را جدای از مردم فلسطین دانسته‌اند، در حالی که باید به این نکته اشاره نمود که جنبش جهاد اسلامی و اعضای آن خود عضوی از جمعیت فلسطین اشغالی هستند و نمی‌توان به صرف ادعای صورت گرفته از سوی مقامات اسرائیل جنگ را صرفا بر علیه افرادی خارج از جمعیت فلسطینی دانست. جنبش جهاد اسلامی از جمله جنبش‌هایی است که در کنار اسرائیل در نوار غزه اعمال قدرت می‌کند و این اعمال قدرت از سال ۲۰۰۷ میلادی به بعد با نفوذ بیشتر حماس و دیگر جنبش‌های فعال در نوار غزه به شکل ویژه‌ای اعمال گردیده است (Cuyckens, ۲۰۱۶: ۲۸۵). مضافا، حملات صورت گرفته توسط نیروهای اسرائیلی موجب نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل ناشی از نقض اصل عدم توسل به زور شده است که در ادامه ذیل عنوان نقض تعهد به آن خواهیم پرداخت. همچنین، در وقوع مخاصمه مسلحانه داخلی و بین‌المللی طرفین در آسیب رساندن به صدمات بی‌مورد منع شده‌اند (موسوی، ۱۳۹۵: ۳۱). بنابراین، حمله اخیر اسرائیل که با ترور فرمانده ارشد شاخه نظامی سرایا القدس آغاز گردید و موجب به شهادت رسیدن تعدادی از ساکنان نوار غزه شد، خود نیز نقض فاحش حقوق بین‌الملل است.

### ۲-۱- نقض تعهد بین‌المللی

نقض تعهد از جمله عناصر یاد شده در ماده ۲ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ است. در واقع برای احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها باید نقض تعهدی صورت گرفته باشد که بتوانیم دولت مورد نظر را دارای مسئولیت بین‌المللی بدانیم. این نقض تعهد، همان تعهد اولیه‌ای است که به موجب نقض آن، دولت‌ها دارای تعهدات ثانویه می‌شوند و مسئولیت بین‌المللی منتسب به آن‌ها می‌گردد. این نقض صورت گرفته شامل

تعهدات بین‌المللی دولت‌ها فارغ از منشاء و ماهیت آن‌ها است. بنابراین، تعهدات ممکن است ناشی از نقض قاعده یا اصل کلی حقوق بین‌المللی باشد (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۸۷).  
 ذیلاً به بررسی برخی موارد از نقض تعهد اولیه توسط اسرائیل از جمله اصل عدم توسل به زور و نقض حقوق بشردوستانه و رابطه آن‌ها با به وجود آمدن مسئولیت بین‌المللی طبق طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به عنوان تعهد ثانویه خواهیم پرداخت.

### ۱-۱-۲- اصل عدم توسل به زور

توسل به زور از جمله مباحثی است که از دیرباز در روابط بین‌الملل وجود داشته است. دوران باستان، دوران جنگ و خون‌ریزی بود و اصل را بر توسل به زور می‌دانستند (رضائی، میرعباسی، کمالی، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

توسل به زور در قرون وسطا از محدودیت نسبی برخوردار گردید و تنها مشروعیت جنگ از سوی کلیسا اعلام می‌شد (علیخانی، ۱۳۹۳: ۲۳). هر چند بعدها با تشکیل جامعه ملل توسل به زور به صورت جزئی محدود شد، اما این سازمان ملل متحد بود که اصل عدم توسل به زور را در منشور ملل متحد مطرح و در رویه خود متجلی ساخت (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۸۶).

اصل عدم توسل به زور تجاوزکارانه از جمله قواعد آمره می‌باشد که در حقوق بین‌الملل عرفی به منصفه ظهور رسیده است. در تاریخ حقوق بین‌الملل نظرات گوناگونی در خصوص جنگ بیان شده است که عموماً به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول آن را به طور مطلق غیر قابل پذیرش می‌دانند. گروه دوم آن را پذیرفته‌اند و گروه سوم در بعضی از شرایط آن را بلایی ضروری نامیده‌اند (رستمی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱).

در تعریف قاعده آمره ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ به این موضوع پرداخته است و بیان می‌دارد: «...قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که به وسیله

اجماع جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل می‌باشد، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.» (VCLT, ۱۹۶۹: Art. ۵۳).

اصل عدم توسل به زور از جمله اصولی است که منشور سازمان ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ به آن تصریح کرده و بیان نموده است که کلیه اعضا از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری در روابط بین‌المللی خودداری نمایند (UN, ۱۹۴۵: Art. ۲(۴)). البته اصل مذکور دارای استثنائاتی نیز می‌باشد که در مواد ۴۲ و ۵۱ منشور به آن‌ها اشاره شده است. ماده ۴۲ بیان می‌دارد: «در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می‌تواند به وسیله نیروی هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، مبادرت کند.» (UN, ۱۹۴۹: Art. ۴۲).

در ماده ۴۲ منشور به شرایطی پرداخته شده است که در آن اقداماتی که در ماده ۴۱ بیان شده است را کافی نمی‌داند. به بیان بهتر، هنگامی شورای امنیت دست به حمله از طریق هوایی، دریایی یا زمینی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌زند که اقداماتی غیر از به‌کارگیری نیروهای مسلح کارساز نباشد. بنابراین ماده ۴۲ را باید استثنایی بر ماده ۲ منشور ملل متحد دانست.

ماده ۵۱ منشور نیز به چنین استثنایی پرداخته و بیان داشته است: «در صورت وقوع جنگ مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت... این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری

تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تأثیری نخواهد داشت.»

بنابراین، عدم توسل به زور را می‌توان قاعده‌ای معرفی نمود که برای همه دولت‌ها لازم‌الاتباع است. با استناد به اصل مذکور پر واضح است که اسرائیل در حملات اخیر خود در ترور فرمانده ارشد شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی آن هم در مناطقی از نوار غزه که اکثر ساکنان آن را فلسطینیان تشکیل می‌دهند. نوار غزه را باید از جمله مناطقی دانست که وضعیت حقوقی روشنی را تا به امروز تجربه نکرده است زیرا که دولت‌ها و ارگان‌ها سازمان ملل متحد این منطقه را تحت اشغال آن رژیم می‌دانند (ممتاز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۸).

اسرائیل از سال ۲۰۰۵ به بعد و با خروج نیروهای خود از این منطقه آن را منطقه متخاصم می‌داند. (Wilmschurts, ۲۰۱۲: ۲۲۳). با این وجود، نمی‌توان صرفاً چنین ادعایی از سوی مقامات اسرائیلی را مورد توجه قرار داد زیرا که در اغلب موارد کنترل مرزهای زمینی، هوایی و دریایی توسط نیروهای اسرائیلی صورت می‌گیرد (منفرد، طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶۲۱). بنابراین، در طی سالیان متمادی این منطقه مورد تجاوز مکرر نیروهای اسرائیل قرار گرفته است. ترور فرمانده ارشد شاخه سرايا القدس خود نیز گویای این مدعاست. در واکنش به ترور تیسیر الجعبری سخنگوی اسرائیل اعلام نمود که ترور صورت گرفته به دلیل از بین بردن امکاناتی صورت گرفت که تیسیر الجعبری جهت شلیک راکت‌های ضد زرهی به مرزهای شمالی نوار غزه تدارک دیده بود (OWP, ۲۰۲۲). گرچه به نظر دفاع مشروع بر طبق ماده ۵۱ از جمله مواردی می‌باشد که در این قضیه قابل استناد است اما باید در نظر داشت که چنین اقدامی پیش از به وقوع پیوستن ادعاهای صورت گرفته از سوی مقامات اسرائیل به نتیجه رسیده است. فلذا، استناد به ماده ۵۱ منشور صحیح نمی‌باشد. بر طبق این ماده در صورتی دفاع مشروع از سوی کشوری قابل استناد است که آن عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته باشد. بنابراین دفاع مشروع پیش‌دستانه را نمی‌توان از قواعد منشور ملل متحد استنباط کرد (ظریف، آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۴۳). دفاع مشروع پیش‌دستانه همانطور که بیان نمودیم از نص ماده ۵۱ منشور

استنباط نمی‌شود؛ بلکه برخی کشورها دست به تفسیر موسع از چنین موضوعی می‌زنند کما اینکه ایالات متحده آمریکا در توجیه حمله به عراق اقدام به چنین تفسیری نمود (ظریف، آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۴۳). نکته مهم آن است که چنین اقدامی مورد قبول جامعه بین‌الملل نبوده و تلاش آن‌ها در این خصوص جلوگیری از متوسل شدن کشورها به چنین اقدامی است. به نظر چنین اعمالی که صرفاً براساس ادعاهای ناصحیح صورت می‌گیرد فاقد وجاهت حقوقی است زیرا که اقدام به دفاع مشروع پیش‌دستانه خود ناقض مقررات منشور ملل متحد از جمله بند ۴ از ماده ۲ است. بنابراین، اقدام صورت گرفته را در صورتی که از منظر دفاع مشروع بررسی کنیم، غیرقابل توجیه و استناد است و همچنین خود نیز نقض تعهد بین‌المللی اسرائیل محسوب می‌شود. این نقض تعهد در ماده ۴۰ از مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد تصریح واقع شده است. این ماده هرگونه نقض جدی تعهد ناشی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام توسط دولت را موجب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌داند (ARSIWA, Art: ۲۰۰۱: ۴۰). اسرائیل در اقدام خود در ترور تیسیر الجعبری مرتکب نقض جدی قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام گشته است، فلذا مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض چنین تعهدی بر عهده این رژیم بار می‌گردد.

از این روی، طبق ماده ۲ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ عمل صورت گرفته، منتسب به اسرائیل است. مضافاً طبق ماده ۱۲ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ نقض تعهد محقق گردیده است و با توجه به اینکه عمل متخلفانه منطبق با تعهد (اصل عدم توسل به زور) نیست، مسئولیت بین‌المللی متوجه اسرائیل است.

### ۱-۲-۲- نقض حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه، مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی است که به دلایل بشردوستانه با روش‌هایی از جمله حمایت از اشخاص که در جنگ شرکت ننموده‌اند یا

تسلیم یا دستگیر یا زخمی یا بیمار هستند و همچنین نظام‌مند نمودن ابزارها و روش‌های جنگ افروزی، سعی در محدود نمودن آثار مخاصمات مسلحانه دارد.<sup>۱</sup>

طی حمله اسرائیل به جمعیت غیرنظامی در نوار غزه ده‌ها تن از افراد غیرنظامی بی‌گناه فلسطینی به بهانه مبارزه با جنبش جهاد اسلامی به شهادت رسیدند و این مخالف مفاد کنوانسیون چهارم ژنو<sup>۲</sup> ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در زمینه حمایت از افراد غیرنظامی (مواد ۸۰-۴۷) است. ماده ۱ مشترک در عهدنامه چهارگانه ژنو به تعهد به رعایت و رعایت حقوق بشردوستانه توسط هر دو طرف درگیر در مخاصمه اشاره نموده است. این مضمون ماده ۱ را باید قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه دانست (فضائلی، ۱۳۹۶: ۸۹۹) که این تعهد، تعهد به وسیله می‌باشد (Mack, ۲۰۰۸: ۱۲). بنابراین، مضمون ماده ۱ در خصوص تعهد به رعایت حقوق بشردوستانه را می‌توان از جمله قواعد شبه اساسی در حقوق بین‌الملل دانست (Focarelli, ۲۰۱۰: ۱۲۵).

با توجه به اینکه اسرائیل عضو کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو شده است، این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در میان کشته شدگان غیرنظامی کودکان و زنان نیز مشاهده شده‌اند. بنابراین اعمال متخلفانه صورت گرفته نیز نقض مقررات حقوق بشردوستانه است (موسوی، ۱۳۹۵: ۴۸). هر چند گفته شده است که اسرائیل گرچه عضو کنوانسیون‌های یاد شده است، اما به عضویت پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ در نیامده است. در پاسخ باید چنین بیان نمود که مقررات پروتکل‌های یاد شده در بعضی از امور جزو لاینفک حقوق بین‌الملل عرفی بوده و برای تمامی کشورها لازم‌الاتباع است (موسوی، ۱۳۹۵: ۴۸). این موارد در خصوص برخی از اصول حقوق بشردوستانه قابل نقض نیستند و بخشی از قواعد آمره به حساب می‌آیند که در این رابطه می‌توان به اصل تفکیک، اصل تناسب و منع رنج بیهوده اشاره نمود (اخوان خرازیان، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۶).

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به آدرس اینترنتی زیر:

<https://blogs.icrc.org/ir/ihl/329-2/>

2. Geneva Convention.(1949)

از سوی دیگر اسرائیل در سالیان طولانی دست به ترور نظامیان و غیرنظامیان متعددی در جریان درگیری‌های متعدد میان خود و جنبش جهاد اسلامی زده است و آن را تحت عنوان ترور هدفمند که از زمان انتفاضیه دوم به شکل قابل ملاحظه‌ای (۲۰۰۹: ۱۵). این اقدام اغلب از سوی اسرائیل Melman شدت یافت، توجیه کرده است) به عنوان اقدام پیشگیرانه مورد توجیه قرار گرفته است (منفرد، طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶۳۱). این در حالی است که بسیاری از قواعد در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به حالت عرفی درآمد‌اند و در واقع امر نمی‌توان به چنین اصولی تمسک جست. اصل تفکیک از جمله اصولی است که عملیات ترور هدفمند را غیر مشروع می‌داند (سرتیپی، بردبار، موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۹). این اصل میان افرادی که در مخاصمات شرکت کرده‌اند و افراد غیرنظامی این اصل را مورد پذیرش kassem تمایز قائل شده است. دادگاه نظامی اسرائیل در قضیه قرار داده است. همچنین، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای این اصل را غیرقابل تخطی معرفی نموده است. طی حمله نیروهای اسرائیلی به جمعیت غیرنظامی در نوار غزه ده‌ها تن از افراد غیرنظامی بی‌گناه فلسطینی به بهانه مبارزه با جنبش جهاد اسلامی مجروح و یا به شهادت رسیدند و این مخالف اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان و همچنین در تعارض با مفاد کنوانسیون چهارم ژنو<sup>۱</sup> ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در زمینه حمایت از افراد غیرنظامی (مواد ۸۰-۴۷) است. اصل دیگری که در خصوص عملیات ترور هدفمند مورد بررسی قرار می‌گیرد، اصل تناسب می‌باشد. اصل تناسب بیان‌کننده این مفهوم است که حتی در صورت وجود یک هدف واضح نظامی، این هدف تنها در صورتی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد که خطر آسب دیدن غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی، یا خطر کشته شدن غیرنظامیان، به نسبت برتری نظامی مورد انتظار، بیش از اندازه نباشد. مبنای اصل تناسب را باید ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ دانست (عظیمی شوشتری، حسینی فاضل، ۱۳۹۶: ۹۵). در طی حمله اخیر اسرائیل

1. Geneva Convention.(1949)

به برج مسکونی فلسطین تعدادی از غیرنظامیان به شهادت رسیدند و تعدادی از آنان زخمی شدند. گرچه هدف نظامی در این حمله به شهادت رسیده است؛ اما بنابراین آنچه در خصوص اصل تناسب بیان گردید افراد غیر نظامی نیز مورد آسیب قرار گرفتند و این خلاف اصل مذکور است. در قضیه صلاح شهاده نیز با چنین مسائله برخورد میکنیم. در جایی که نیروهای اسرائیلی با هدف ترور صلاح شهاده منطقه الدراجه را مورد هدف قرار دادند و در نتیجه آن تعدادی از غیرنظامیان به شهادت رسیدند. معیار تناسب در این قضیه به وضوح نقض گردیده است آن چنان که این موضوع از زبان حقوق دانان مورد .، (۲۰۰۷: ۳۳۰). از سوی دیگر، درگیری‌های صورت گرفته Naftali B تایید قرار گرفته است ( میان نیروهای جنبش جهاد اسلامی و اسرائیل در واکنش به کشتار هدفمند صورت گرفته را باید از جمله درگیری‌های بین‌المللی قلمدا نمود؛ زیرا که از زمان محاصره دریایی سال ۲۰۰۸ غزه و از مفاد قطعنامه ۳۳۴۱ مجمع عمومی در تعریف تجاوز می‌توان نتیجه گرفت که محاصره دریایی تنها در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی کاربرد دارد (ممتاز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۶). این در حالی است که در مرحله انتفاضیه دوم نیز درگیریها تا آستانه حمله ، (۲۰۰۴: ۵۵۵). کما اینکه در Ben Naftali, ۲۰۰۵: ۲۱۰; Kretmer مسلحانه پیش رفته بود ( محاصره دریایی یمن توسط نیروهای ائتلاف کشورهای عربی تحت رهبری عربستان با چنین موضوعی برخورد می‌کنیم (شارق، محمدی مطلق، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۳). بنابراین، درگیری‌های صورت گرفته مشمول حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌گردند. از این روی، حقوق بشردوستانه مذکور از جمله تعهدات اولیه اسرائیل است که با نقض آن، مسئولیت بین‌المللی طبق ماده ۱۲ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ و فارغ از اینکه منشاء یا ماهیت تعهد چه چیزی است، محقق می‌شود. این منشاء می‌تواند ناشی از نقض حقوق بین‌الملل عرفی یا حتی یک اصل کلی حقوق بین‌الملل عام باشد. از این رو است، که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره شمال، حقوق بین‌الملل عرفی را به رسمیت شناخته است (Rep ICJ, ۱۹۶۹: para. ۶۳).

## ۲- پیامدهای مسئولیت بین‌المللی

در حقوق مسئولیت بین‌المللی با ارتکاب فعل متخلفانه آثار حقوقی پدیدار می‌شود که در ماده ۲۸ مجموعه مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به آن پرداخته شده است و آن را تایید می‌نماید. بر اساس ماده مذکور ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی متضمن پیامدهای حقوقی است که مسئولیت دولت متخلف را در پی خواهد داشت (ARSIWA, ۲۰۰۱: Art. ۲۸).

پیامدهای حقوقی تصریح شده در ماده ۲۸ مجموعه مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، شامل توقف رفتار متخلفانه بین‌المللی و جبران خسارات ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی می‌باشند که در مواد ۳۰ و ۳۱ مجموعه مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل آن پرداخته شده است (ARSIWA, ۲۰۰۱: Arts. ۳۰-۳۱). مسئولیت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی بر طبق ماده ۲۸ را می‌توان شامل مسئولیت دولت ناشی از نقض‌های حقوق بشری و غیره دانست (ابرهیم گل، ۱۴۰۰: ۱۷۳). در این راستا و طبق مطالب فوق در رابطه با پیامدهای مسئولیت بین‌المللی اسرائیل، ابتدا به توقف و تضمین عدم تکرار فعل متخلفانه بین‌المللی و سپس به جبران خسارات ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی صورت گرفته توسط اسرائیل خواهیم پرداخت.

### ۲-۱- توقف و تضمین عدم تکرار

توقف و تضمین عدم تکرار از جمله آثار و نتایج عمل متخلفانه بین‌المللی دولت‌ها است که در ماده ۳۰۱ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ به آن تصریح شده است.

- 
1. The State responsible for the internationally wrongful act is under an obligation:
    - (a) To cease that act ;if it is continuing;
    - (b) To offer appropriate assurances and guarantees on non-repetition ,if circumstances so require.

موضوع توقف و اطمینان از عدم تکرار از لحاظ تاریخی نیز دارای سابقه طولانی در روابط بین دولتهاست که از جمله آن می‌توان به روابط دولت عثمانی و بریتانیای کبیر در ارتباط با عملیات پستی اشاره نمود (Scott, Sullivan, ۲۰۰۲: ۲۶۸).

توقف دارای جنبه سلبی می‌باشد؛ این در حالی است که تضمین عدم تکرار جنبه پیشگیرانه دارد و برای نقض‌هایی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، کاربرد بیشتری دارد (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۱۷۶). توقف باعث پایان دادن به نقض حقوق بین‌الملل می‌شود، بنابراین توقف به خودی خود موجب منفعت دولتها اعم از دولت‌های زیان دیده و جامعه بین‌المللی می‌شود (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۱۷۷).

گرچه دو موضوع توقف و تضمین عدم تکرار در ماده ۳۰ به صورت مجزا پرداخته شده است، اما با یکدیگر دارای رابطه می‌باشند که این رابطه از نقض تعهد بین‌المللی نشأت گرفته است (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۱۷۶).

دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله محاکمی است که در بسیاری از دعاوی به موضوع توقف و تضمین عدم تکرار اشاره نموده است. قضیه ۱۱ آوریل آقای یروودیا<sup>۱</sup> به عنوان مثال، دیوان دستور به لغو بازداشت وزیر امور خارجه می‌دهد و دولت بلژیک را ناقض تعهد مصونیت دیپلماتیک وزای خارجه می‌داند. در اینجا لغو بازداشت نوعی دستور به توقف عمل متخلفانه می‌باشد (Rep ICJ, ۲۰۰۰: para. ۷۸). در قضیه احداث دیوار حائل توسط نیروهای اسرائیلی نیز با چنین مساله‌ای برخورد می‌کنیم. در این قضیه دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی خود اعلام نمود که اسرائیل موظف است که موارد نقض حقوق بین‌الملل و عملیاتی که در حال انجام است را متوقف کند و همچنین قوانینی را که در رابطه با چنین عملیاتی وجود داشته را لغو نماید (حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۳). نکته قابل ذکر در خصوص توقف این است که باید مستمر باشد، یعنی در بازه زمانی استمرار داشته باشد (Kolb, ۲۰۱۷: ۱۵۰-۱۵۱).

1. Yerodia.

حضور غیرقانونی اسرائیل در فلسطین اشغالی به ویژه منطقه غزه و کرانه باختری همچنین مناطق تحت کنترل جنبش جهاد اسلامی به عنوان عضو منفعل جامعه بین الملل که دارای حق تعیین سرنوشت می باشد، خود عمل متخلفانه مستمر است که حملات و نقض پی در پی تعهدات بین المللی باعث تشدید آن می گردد. همچنین، توقف عمل را می توان در مورد نقض حقوق بشردوستانه، حقوق بشر و اصل عدم توسل به زور که مستمرا توسط اسرائیل تشدید می گردد، مورد استناد قرار داد.

تضمین عدم تکرار از جمله مباحثی است که در مورد آن تردید هایی وجود دارد. بند ب ماده ۳۰ مجموعه مواد طرح کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۱ به این نکته می پردازد که اطمینان و تضمین عدم تکرار در صورتی قابل اعمال است که شرایط ایجاب کند (Art: ۲۰۰۱, AISIWA, ۳۰). مفسران نیز در این باره دارای عقاید گوناگونی هستند. استرن<sup>۱</sup> جایگاه اطمینان و تضمین عدم تکرار را مورد تردید می داند از طرفی باربیر<sup>۲</sup> آنها را بخشی از آثار حقوقی عمل متخلفانه معرفی می کند (کرافورد، ۱۳۹۵: ۵۹۲). اطمینان می تواند به صورت لفظی بیان گردد. در حالی که تضمین به عدم تکرار نیازمند اقداماتی است که دولت زیان دیده را قانع نماید که عمل تخلف آمیز دیگر در آینده به وقوع نمی پیوندد. با این حال در قضیه برادران لاگرانند دیوان اعلام نمود که ضمانتی قطعی مبنی بر عدم نقض تعهدات در آینده وجود ندارد (ضیائی، روحانی، ۱۳۹۹: ۲۵۲). بنابراین، دولت زیان دیده باید دلایل خود را مبنی بر اینکه احیای وضعیت به صورت قبل کارساز نمی باشد را ارائه دهد. در قضیه تظاهرات برعلیه سفارت آمریکا در موسکو در سال ۶۵-۱۹۶۴ رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام نمود که صرف اظهار تاسف و جبران خسارت کافی نمی باشد. در قضیه لاگرانند نیز دیوان صرف عذرخواهی دولت آمریکا را کافی نمی داند و دولت ایالات متحده را ملزم به بازبینی در احکام و محکومیت های صادر می کند. بنابراین جایگاه اطمینان و

1. Stern.

2. Barbier.

تضمین عدم تکرار را باید ناظر به آینده دانست.

در رابطه با تضمین عدم تکرار نیز باید توجه نمود که تضمین باید به صورتی اعمال گردد که جنبه بازدارندگی داشته باشد (قاسمی، ستایش پور، ۱۳۹۸: ۲۰۰). بنابراین و با توجه به اینکه اسرائیل بارها دست به ارتکاب جنایات متعددی علیه فلسطینیان زده است و در آینده از تجاوزات خود دست نخواهد کشید، بحث اطمینان به عدم تکرار از جمله مباحثی است که در مسئول شناختن اسرائیل حائز اهمیت خواهد بود. از این روی، این امکان سنجی در خصوص تضمین عدم تکرار را می‌توان برای اسرائیل متصور شد و آن‌ها را علاوه بر توقف اعمال تخلف‌آمیز خود، به تضمین عدم تکرار عمل تخلف‌آمیز در آینده محکوم نمود.

## ۲-۲- جبران خسارت

جبران خسارات نیز از جمله پیامدهای مسئولیت بین‌المللی است که در ماده ۳۱ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ مورد تصریح قرار گرفته است. طبق این ماده: «۱. دولت مسئول، متعهد است که زیان ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی را به طور کامل جبران کند. ۲- زیان عبارت از هرگونه خساراتی اعم از مادی و معنوی است که از فعل متخلفانه بین‌المللی دولت ایجاد شود»<sup>۱</sup>. همانطور که از منطوق ماده مشخص است جبران زیان باید کامل باشد.

تعهد به جبران خسارت، پیامد فوری مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف می‌باشد (ابراهیم گل، ۱۴۰۰: ۱۸۴). حال باید دید این جبران خسارت که در بند ۲، شامل زیان مادی و معنوی بوده، آیا در عمل نیز قابل جبران می‌باشد یا خیر؟

خسارت مادی را می‌توان شامل خسارت به اموال یا منافع واقعی یک دولت و اتباعش دانست. حملات اخیر رژیم اشغالگر اسرائیل به نوار غزه مصداق بارز صدمه و زیان

1. Draft Articles of International Responsibility of State(AISIWA).

به اتباع فلسطینی ساکن در نوار غزه است. زیان به معیشت و محیط زیست نمونه ای از خسارت وارد شده از سوی اسرائیل است. گزارش گلدستون<sup>۱</sup> در پارگراف ۱۸۶۱، پرداخت کامل صدمه و ضرر نشات گرفته از اعمال غیر نظامی را نیز بر عهده کشور خاطی دانسته است. همچنین حقوق بین الملل صدمه و ضرر ناشی از جرم را در قبال حقوق آسیب دیدگان به رسمیت شناخته است (HRPAT, ۲۰۰۹: Para. ۱۸۶۱).

بنابراین، همانطور که پر واضح است، خسارت مادی وارد شده از سوی اسرائیل به نوار غزه و مناطق تحت کنترل جنبش جهاد اسلامی باید جبران گردد. این جبران نه تنها شامل عملیات نظامی بلکه شامل تمام خسارات وارد شده از سوی نیروهای اسرائیل، مضاف بر خساراتی که در نتیجه عملیات نظامی وارد شده است، می باشد.

خسارت معنوی، شامل خسارت وارد شده به افراد از جمله درد و رنج و هتک حرمت و غیره است، در حالی که خسارت وارده به دولت ها را باید شامل مواردی از جمله نقض حاکمیت یا بی حرمتی به دولت ها دانست (کرافورد، ۱۳۹۵: ۶۰۷).

خسارت در ماده ۳۴ به اشکال مختلفی از جمله اعاده وضع به حالت سابق<sup>۲</sup>، غرامت<sup>۳</sup>، و جلب رضایت<sup>۴</sup> قابل جبران است. (ARSIWA, ۲۰۰۱: Art. ۳۴)

در رابطه با به شهادت رسیدن تیسیر الجعبری و چند تن از همراهان ایشان این مسئله قابل تامل است که خسارت که از سوی اسرائیل وارد آمده به هیچ وجه قابل جبران نمی باشد. بنابراین، اعاده وضع به حال سابق را نمی توان به عنوان شیوه ای برای جبران خسارات مورد بررسی قرار داد زیرا که حیات اشخاصی که در این حملات به شهادت رسیدند، قابل اعاده نیست.

با این حال گرچه خسارت معنوی تا حدودی غیر قابل جبران است، اما می توان

- 
1. Goldstone.
  2. Restitution
  3. Compensation
  4. Satisfaction

آن‌ها را تا جایی که ممکن هستند، انجام داد. بر طبق ماده ۳۷ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، در صورتی که اعاده وضع به حالت سابق و غرامت ممکن نباشد، دولت متخلف می‌تواند رضایت طرف زیان دیده را جلب کند (ARSIWA, ۲۰۰۱: Art. ۳۷(۱)). در این مورد می‌توان به عذرخواهی اسرائیل به عنوان حالتی از جبران خسارت معنوی اشاره نمود.

بنابراین، همانطور که بیان شد، در قضیه به شهادت رسیدن تیسیر الجعبری، می‌توان به هر دو خسارت وارد شده اعم از مادی و معنوی اشاره نمود و اسرائیل را در این خصوص دارای مسئولیت دانست.

## برآمد

ترور تیسیر الجعبری، یکی از فرمانده‌های جنبش جهاد اسلامی شاخه سرایا القدس به عنوان یک جنبش تاثیرگذار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین علی‌الخصوص نوار غزه که سال‌هاست با انجام عملیات متعددی در مقابل تجاوزات اسرائیل نمادی از مقاومت پایدار امت مسلمان و مردم مظلوم فلسطین بوده است، باعث واکنش‌های متعددی در جامعه بین‌الملل گردید. این حمله به دستور مقامات اسرائیل و توسط نیروهای نظامی آن‌ها صورت گرفت که طبق ماده ۱ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، عمل متخلفانه صورت گرفته به صرف وقوع آن که در اینجا ترور یکی از فرماندهان ارشد شاخه سرایا القدس و تعدادی از همراهان ایشان و همچنین متعاقب آن تجاوز به برخی از مناطق اشغالی و به شهادت رساندن مردم بی‌گناه فلسطین بود، موجب مسئولیت اسرائیل است. مضافاً باید استدلال نمود که طبق ماده ۴ مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، این عمل بطور قطع به یقین قابل انتساب به رژیم غاصب صهیونیستی است.

عمل متخلفانه صورت گرفته، موجب نقض تعهد از سوی اسرائیل گشته است. بنابراین با بررسی نقض تعهد اولیه از جمله اصل عدم توسل به زور تصریح شده در منشور ملل متحد، نقض حقوق بشردوستانه و حتی حقوق بشری از جمله حق حیات اشاره شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به نتایج آن که شامل ایجاد تعهد ثانویه است بر طبق طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ پرداخته شد.

بنابراین، با احراز مسئولیت و انتساب آن به اسرائیل باید دانست که مسئولیت به وجود آمده دارای پیامدهایی از جمله توقف عمل متخلفانه بین‌المللی و تضمین به عدم تکرار و همچنین جبران خسارت نیز می‌باشد.

توقف عمل متخلفانه که شامل استمرار حضور غیر قانونی در منطقه است را می‌توان به عنوان اولین پیامد مسئولیت اسرائیل در ادامه تجاوزات غیر قانونی خود در

فلسطینی اشغالی دانست. ماده ۳۰ مجموعه مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز به موضوع توقف عمل متخلفانه بین‌المللی اشاره نموده است. نقض حقوق اصل عدم توسل به زور و همچنین حقوق بشردوستانه از جمله تعهدات اولیه‌ای هستند که اسرائیل ناقض آن‌ها بوده و نتیجتاً منجر به ایجاد پیامدهایی برای اسرائیل می‌گردد. تضمین عدم تکرار نیز از دیگر مواردی است که اسرائیل ملزم به رعایت آن می‌باشد. هرچند که تضمین در جایی به وجود می‌آید که شرایط ایجاب می‌کند.

علاوه بر عدم تکرار و تضمین آن، عمل متخلفانه اسرائیل دارای پیامدهای دیگری از جمله جبران خسارت نیز است. جبران خسارات شامل خسارت مادی و معنوی می‌باشد که با بررسی‌های صورت‌گرفته باید تصریح کنیم که رژیم غاصب مسئول زیان‌های وارده چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی نیز است. مسئولیت به جبران خسارت مادی شامل جبران خسارات وارد شده به معیشت و محیط زیست فلسطین اشغالی می‌گردد. جبران خسارات معنوی بطور کامل در این خصوص قابل اعمال نیست، اما همانطور که بیان شد، خسارت معنوی از طرق دیگری از جمله عذرخواهی نیز قابل جبران است.

علاوه بر پرداختن به مسئولیت بین‌المللی اسرائیل در خصوص ترور تیسیر الجعبری پیشنهاداتی از جمله توسل به روش‌های غیرحقوقی یا دیپلماتیک در جهت پایان دادن به کشمکش‌های صورت‌گرفته ارائه می‌گردد. روش‌های چون مذاکره به عنوان آسان‌ترین و معمول‌ترین روش حل مسالمت‌آمیز اختلافات گاهی منجر به توافقاتی می‌شود که آتش جنگ را برای مدتی کوتاه یا طولانی به پایان می‌رساند. از این روی طرفین مخاصمه در اینجا اسرائیل و جنبش مقاومت اسلامی بر سر پایان بخشیدن به ترورهای صورت‌گرفته می‌توانند از طریق مذاکره به این مهم دست پیدا کنند. راه حل‌های دیگری همچون پایمردی یا مساعی جمیله در جایی که فرایند مذاکرات به بن بست اساسی برخورد کند، با حضور کشور ثالث البته به صورت محرمانه می‌تواند زمینه تفاهم را فراهم نماید. از دیگر راه حل‌های دیپلماتیک می‌توان به سازش و میانجیگری که مفهوم آن تا حدودی نزدیک به

مساعی جمیله می باشد، می توان اشاره کرد.

با وجود این، ظرفیت های حقوقی دیگری جهت تعقیب عاملان ترور را می توان پیشنهاد نمود. تعیب کیفری عاملان ترور از طریق دیوان بین المللی کیفری نیز از دیگر ظرفیت های حقوقی موجود در خصوص ترور صورت گرفته می باشد. گرچه تروریسم و سلب خودسرانه حیات انسان ها از جمله جرائمی نمی باشد که دیوان بین المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به آن ها دارا است؛ اما از دیدگاه برخی از حقوق دانان چنانچه اسباب جرائم تحت شمول صلاحیت دیوان فراهم گردد، امکان تسری صلاحیت دیوان میسر می شود (رضایی پیش رباط، زعفرانی: ۱۴۰۳: ۱۱۹). بنابراین با توجه به اینکه سلب حیات صورت گرفته به قصد از بین بردن گروهی ملی رخ داده است، می تواند به عنوان نسل کشی مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که دولت هایی که عضو اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نمی باشند، می توانند با صدور اعلامیه و ثبت آن در دبیرخانه صلاحیت دیوان را در موارد خاص مورد پذیرش قرار دهند. با وجود این گرچه فلسطین اساسنامه دیوان را امضاء نموده است و از آوریل سال ۲۰۱۵ میلادی برای این کشور به صورت لازم الاجرا درآمده است؛ اما اسرائیل به عضویت دیوان مزبور در نیامده است و این خود می تواند باعث ایجاد اخلاف در ارجاع پرونده مذکور به دیوان گردد. در این خصوص باید به این نکته اشاره نمود که گرچه اسرائیل عضو دیوان نمی باشد؛ اما سرزمینی که جرم نسل کشی در آن اتفاق افتاده است، متعلق به فلسطین است. فلذا با توجه به عضویت فلسطین در دیوان بین المللی کیفری امکان ارجاع چنین موضوعی به دیوان کاملاً میسر است (بحرینی، رضانی قوام آبادی: ۱۴۰۱: ۲۳).

## منابع

## الف) داخلی

## کتاب‌ها

- سیفی، سید جمال (۱۴۰۰)، *حقوق مسئولیت بین‌المللی گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت*، تهران، موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران، گنج دانش.
- کرافورد، جیمز (۱۳۹۵)، *حقوق مسئولیت بین‌المللی (قواعد عمومی)*، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل و همکاران، تهران، نشر سنگلج.
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (۱۴۰۰)، *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، مترجم: علیرضا ابراهیم‌گل، زیر نظر دکتر سید جمال سیفی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

## مقالات

- آذری آغاجری، بهزاد (۱۳۸۸)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال خشونت‌آمیز اشخاص حقیقی در چهارچوب تروریسم»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۴، صص ۱۱۶۵-۱۱۹۸.
- بررگر جلالی، سینا، خسروی، حسن، و کوشا سهیلا (۱۴۰۰)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مقابله با بیماری‌های همه‌گیر، *ماهانه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، شماره ۳، صص ۱۰۹۹-۱۱۲۲.
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۴)، «ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین‌الملل درآمدی بر رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، شماره ۲۸، صص ۷۰-۱۰۷.
- سرتیپی، حسین، بردبار، احمدرضا و محمد موسی‌زاده (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترور هدفمند و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال چهاردهم، شماره ۳۸، صص ۳۹-۷۶.
- شارق، زهرا سادات، محمدی مطلق، علیرضا (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه»، *فصلنامه آفاق امنیت*،

شماره ۳۳، صص ۱۷۳-۲۰۸.

- ضیائی، سیدیاسر، روحانی، زهرا سادات (۱۳۹۹)، «پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مورخ ۲۰۰۱»، *فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۹۲، صص ۲۷۴-۲۷۱.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی، حسینی فاضل، سید مرتضی، «پژوهشی تطبیقی درباره مفهوم، ماهیت و شرایط اصل تناسب در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق اسلام»، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوقی اسلام و غرب*، شماره ۱۴، ۱۳۹۶، صص ۹۳-۱۱۸.
- علیخانی، مهدی (۱۳۹۳)، «قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، شماره ۴- شماره پیاپی ۴۴، صص ۲۱-۵۶.
- فضالی، مصطفی (۱۳۹۶)، «ماهیت. مبنای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، شماره ۳، صص ۸۹۷-۹۱۸.
- قاسمی، غلامعلی و محمد ستایش پور (۱۳۹۹)، «مسئولیت بین‌المللی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی»، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۱۶.
- محمدرضائی، حسن، میرعباسی، سید باقر، و کمالی، علی، «مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تأکید بر منشور ملل متحد»، *تحقیقات حقوق بین‌المللی*، شماره ۴۵، صص ۱۱۹-۱۴۱.
- ممتاز، جمشید، علیزاده مسعود، زرنشان شهرام (۱۳۹۶)، «محاصره دریایی غزه از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۷۶، صص ۱۳۷-۱۵۴.
- منفرد، مهوش، طباطبایی، سید احمد (۱۳۹۷)، «رژیم حقوقی قابل اعمال بر سیاست کشتار هدفمند اسرائیل در سرزمین فلسطین»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، شماره ۲، صص ۶۱۷-۶۳۶.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۵)، «رژیم صهیونیستی ناقض حقوق بشر»، *فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، شماره ۵، صص ۲۴-۷۱.
- هنجی، سید علی و سعید فرهادنیا (۱۳۹۶)، «بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال تروریستی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۸۴، صص ۷۱-۹۰.

ظریف، محمدجواد، آهنی امینه، محمد (۱۳۹۱)، «دفاع مشروع پیش‌دستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۲، صص ۴۱-۸۲.

رضایی پیش رباط، صالح، زعفرانی، هاشم (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های بین‌المللی رسیدگی حقوقی ترور شهدای هسته‌ای ایران»، *فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۵.

بحرینی، جلال، رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۴۰۳)، «امکان سنجی رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به وضعیت فلسطین و تبعات احتمالی آن»، *فصلنامه مطالعات حقوقی عمومی*، شماره (-)، صص ۱-۲۶.

### پایان نامه

رستمی‌نژاد، امید (۱۳۹۳)، «بررسی نقش مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل در شکل‌گیری قواعد آمره بین‌المللی با تأکید بر اصل منع توسل به زور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه حقوق و علوم سیاسی.

### گزارش

غفاری‌زاده مهرشاد (۱۴۰۱)، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، عنوان گزارش: «جنايات جديد رژیم صهيونيستي عليه غزه: دلائيل و پیامدها»، آخرین مشاهده (۱۴۰۱/۱/۲۸) در: <https://ir.majlis.rc/>.

### وب سایت‌های اینترنتی

جامعه خبری تحلیلی الف (۱۴۰۱)، جهان، آخرین مشاهده (۱۴۰۱/۱/۲۸) در: <https://www.alef.ir/news.4010515024/html>

شبکه شرق (۱۴۰۱)، سیاست، آخرین مشاهده (۱۴۰۱/۱/۲۸) در: <https://www.sharghdaily.com/>

فارس (۱۴۰۱)، بین‌الملل / آمریکا، اروپا، آخرین مشاهده (۱۴۰۱/۱/۲۸) در: <https://www.farsnews.ir/news/14010514000595/>

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (بی‌تا)، حقوق بین‌المللی بشردوستانه، آخرین مشاهده

در: (۱۴۰۱/۱/۲۸)

<https://blogs.icrc.org/ir/>**ب) انگلیسی****Book**

Kolb, Robert. (2017) *The International Law of State Responsibility: An Introduction*, Edward Elgar Publishing.

Mack, Michlle, (2008). *with contribution by Jelena Pejic, Increasing Respect for International Humanitarian Law in Non-International Armed Conflicts*, ICRC, Geneva.

**Articles**

Hart, H.L.A. (1948). "the Ascription of Responsibility and Rights", *Proceedings of the Aristotelian Society*, Vol. 49, pp. 171- 194.

Naftali B., "A Judgment in the Shodow of International Criminal Law", *J Int Criminal Justice* Vol. 5(2): (2007), p. 330 .

Sullivan, S. M. (2002). "Changing the premise of International legal Remedies: the unfounded adoption of assurances and guarantees of non-repetition". *UCLA J. Int'l L. & Foreign Aff.* , pp. 265- 301.

Melman, Yossi (2009), "Targeted Killings: A Retro Fashion Very Much in Vogue", *Haaretz, Mar.* 15.

Cuyckens, Hanne (2016). "*Is Israel Still an Occupying Power in Gaza?*" Springerlink.

Kretzmer, David (2005), "Targeted Killing of Suspected Terrorists: Extra Judicial Executions or Legitimate Means of Defence?" *The European Journal of International Law*, Vol. 16, No.2.

Focarelli, "The Responsibility to Protect Doctrine and Humanitarian Intervention: Too Many Ambiguities for a Working Doctrine", *13 J Conflict & Security L* (2008). (Func=download & field =3564) at:www.reformtheun.org/index.php? module=uploads

Wilmshurts, Elizabeth (2012), “International Law and the Classification of Conflicts”, *Oxford Scholarly Authority on International Law [OSAIL]*.

### Documents

Geneva Convention IV (1949).

ILC (2001). Draft Article on International Responsibility of states (AR-SIWA).

United Nations, Charter of the United Nations, 24 October 1945, 1 UNTS XVI, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae6b3930.html> [accessed 19 August 2022]

Vienna Convention on the Law of Treaties (1969).

### Case Law

Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, I.C.J. Reports 1999.

Human Rights in Palestine and Other Occupied Arab Territories, Report of the United Nations Fact-Finding Mission on The Gaza Conflict, General Assembly, Human Rights Council Twelfth session, Agenda item 7 (A/HRC/12/48), 25 sep.2009.

International Court of Justice, Case Concerning North Sea Continental Shelf of 1967 (Federal Republic of Germany/Netherlands) 1969.

International Court of Justice, Case Concerning the Arrest Warrant Of 11 April 2000 (Democratic Republic of Congo V. Belgium) 2002.

### Websites

The Organization for the World Peace, last seen: (4/19/2023) at: <https://theowp.org/>.